



علوم اجتماعی و آب: دستور کارهای مغفول

نویسندگان: محمد فاضلی، سجاد فتاحی

مقدمه

ایجاد شکاف عمیق بین منابع آبی تجدیدپذیر و مصارف آب در کشور، گویاترین نمود ناکامی نظام مدیریت منابع و مصارف آب در ایران، علی‌رغم صرف هزینه‌های هنگفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در شش دهه گذشته است. یکی از مهم‌ترین علل ناکامی این نظام مدیریت، عدم توجه به مسئله آب در ایران به مثابه مسئله‌ای پیچیده، بین‌رشته‌ای و بدخیم است که سبب شده ارزیابی‌های صورت‌گرفته از پروژه‌ها و طرح‌ها، صرفاً به ابعاد اقتصادی و فنی محدود شده و به واسطه نادیده گرفتن سایر ابعاد، در بعضی موارد حتی اهداف اقتصادی آن‌ها نیز در کوتاه و بلندمدت محقق نگردد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد مغفول در نظام مدیریت منابع و مصارف آب در ایران، ابعاد اجتماعی است. نظام مدیریت منابع آب در ایران در دهه‌های گذشته با فروکاستن ابعاد اجتماعی مسئله آب به مفاهیمی چون «فرهنگ صرفه‌جویی» یا استفاده از کمک متخصصین علوم اجتماعی برای همراه نمودن مردم با تصمیم‌های این نظام، خوانشی تقلیل‌گرایانه و گمراه‌کننده از ابعاد اجتماعی حکمرانی و مدیریت منابع آب ارائه داده است.

«ایجاد شکاف عمیق بین منابع آبی تجدیدپذیر و مصارف آب در کشور، گویاترین نمود ناکامی نظام مدیریت منابع و مصارف آب در ایران، علی‌رغم صرف هزینه‌های هنگفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در شش دهه گذشته است.»

”

“

رابطه آب و سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، «ارزش افزوده حاصل از نوعی فرایند تعاملی در بین کنشگران فردی و جمعی است که تحت حاکمیت ویژگی‌هایی از قبیل اعتماد، همدلی، آمادگی برای انجام اقدامات عملی در کمک به دیگران، تمایل به انجام بازی‌های برد-برد در روابط اجتماعی و تصور افراد نسبت به حاکمیت هریک از این ویژگی‌ها در روابط قرار دارد.» هرگونه طرحی در حوزه مدیریت منابع و مصارف آب، با این تعریف از سرمایه اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند، بر سرمایه اجتماعی در سطوح خرد، میانه و کلان اثرگذار بوده و از آن اثرمی‌پذیرد. از این رو پیش از تصمیم‌گیری درباره اجرا یا عدم اجرای یک طرح توسعه و مدیریت منابع و مصارف آب باید تحلیلی دقیق از رابطه آب با سرمایه اجتماعی در آن طرح ارائه گردد.

این بررسی علاوه بر آنکه می‌تواند هزینه‌های اقتصادی اجرای طرح را کاهش داده و میزان موفقیت آن را افزایش دهد، مانعی بر سر راه اجرای طرح‌هایی است که می‌تواند علیرغم حل مسئله کمبود آب به صورت موقت با اثرگذاری منفی بر سرمایه اجتماعی در بلندمدت طرح را با شکست مواجه نموده و هزینه‌هایی به مراتب بیشتر از مزایا را بر جوامع تحمیل نمایند. برای نمونه، نادیده‌گرفتن این رابطه در پروژه‌های انتقال آب در نقاط مبدأ و مقصد، یکی از نقاط ضعف اساسی نظام مدیریت منابع آب در ایران بوده که می‌توان بخشی از بحران سرمایه اجتماعی و مشروعیت این نظام را که تبیین‌کننده ناکامی آن در مدیریت و کاهش مصارف آب است بر این اساس تحلیل نمود. مطالعات اجتماعی آب باید دستور کاری برای بررسی سطح سرمایه اجتماعی و سازوکارهای تولید یا فرسایش آن داشته باشد.

رابطه آب، قدرت و تضاد

هر طرحی در حوزه آب، به‌ویژه در کشوری با اقلیم ایران که کمبود آب مسئله‌ای دیرپا در تاریخ آن است، می‌تواند روابط و معادلات قدرت در جوامع محلی را تغییر داده، سبب افزایش قدرت برخی گروه‌های ذینفع شده و از قدرت برخی گروه‌های اجتماعی دیگر

بکاهد. در این میان عموماً منافع گروه‌هایی با آب است.

که از قدرت کمتری در جامعه برخوردارند و نمایندگان در سطوح گوناگون قدرت ندارند نادیده گرفته می‌شود. همچنین با توجه به ارزشمند بودن کالای آب، طرح‌های توسعه و مدیریت منابع و مصارف آب بر شدت و خشونت تضاد در جوامع محلی اثرگذارند؛ از این رو هرگونه طرحی در این زمینه باید از حیث ارتباط با مسئله قدرت، شدت و خشونت تضاد در جوامع محلی تحلیل و بررسی شده و درباره آن تحلیلی‌هایی روشن از منافع ذینفعان در جریان اجرای این طرح‌ها، اختیارات و اقتدارهای هریک و منازعات و تعارضات بین این منافع ارائه گردد.

افزایش شدت تضاد در ارتباط با مسئله آب در برخی استان‌های کشور از قبیل اصفهان، چهارمحال و بختیاری و خوزستان بارزترین نتیجه چنین اقداماتی است. از این دهه به بعد وجود دارد. بدیهی است شکسته شدن خط لوله انتقال آب به یزد در سال ۱۳۹۱ توسط کشاورزان شرق اصفهان و درگیری‌های خشونت‌آمیز در بلداجی در اواخر تیرماه ۱۳۹۵ بر سر مسئله انتقال آب برای استفاده در کارخانه فولاد، تنها نمونه‌هایی از تضادهای خشونت‌آمیز مرتبط

رابطه آب و مشارکت ذینفعان

مشارکت ذینفعان در طرح‌ها و پروژه‌های مرتبط با آب ضمن افزایش ذخیره دانش و افزایش آگاهی نسبت به راه‌حل‌های جایگزین برای مواجهه بهینه با مسئله کمبود آب، به میزان قابل‌توجهی از هزینه‌های گوناگون این طرح‌ها کاسته و بر امکان موفقیت آن‌ها می‌افزاید. رابطه ایرانیان با منابع آبی تا دهه ۱۳۲۰، توسط نظام‌های حکمرانی تعریف و سامان داده می‌شد که در مدت زمانی طولانی تکامل یافته و توانسته بودند وضعیت بالنسبه پایداری را در رابطه انسان ایرانی با منابع آبی نسبتاً آندک و وضعیت اقلیمی کشور پدید آورند. رابطه‌ای مستقیم بین حرکت از نظام حکمرانی آب به نظام مدیریت منابع آب و خلع ید از ذینفعان گوناگون و کاهش مشارکت آن‌ها از این دهه به بعد وجود دارد. بدیهی است که یکی از مهم‌ترین پیامدهای این خلع ید و کاهش مشارکت، کاهش سرمایه اجتماعی در سطوح گوناگون و تضعیف اجتماعات و واحدهای خود تنظیم‌گر و افزایش واحدهای اجتماعی وابسته‌ای بوده است که نظارت و کنترل خارجی در آن‌ها بسیار هزینه‌بر و در



بعضی موارد غیرممکن است. یکی از دلایل در آن تشدید می‌کند؛ اما این نظام به دلیل از کشاورزی به توریسم و گردشگری را در ناکامی نظام مدیریت منابع در مواجهه با نادیده گرفتن تاریخ در مطالعات خود، بدون پدیده چاه‌های غیرمجاز از همین منظر توجه به تجارب تاریخی گذشته، همچنان بر اگرچه پیچیدگی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیشتری نسبت به راه‌حل‌های قابل تحلیل و بررسی است. فنوارانه و سازه‌ای دارند، اما دارای تبعات و هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیستی کمتری هستند و پایداری آن‌ها بیشتر است.

رابطه آب با تاریخ و زمان

برنامه‌ریزی برای توسعه و مدیریت منابع آب، بدون توجه به دو مقوله تاریخ و زمان می‌تواند به تکرار تجارب ناموفق گذشته یا اقداماتی بدون آینده‌نگری بینجامد که به واسطه اثرات انباشتی و رابطه آن‌ها با سایر متغیرها در طول زمان، سبب ایجاد ناپایداری در منابع آبی گردد. عدم توجه به تجارب تاریخی در نظام مدیریت منابع و مصارف آب در ایران سبب شده است که این نظام برخی اشتباهات و اقدامات ناکارآمد را چندین و چند بار تکرار نماید. جایگزین دیگری از قبیل اصلاح الگوی مصرف از طریق اصلاح قواعد شکل‌دهنده به رفتار مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و حکمرانان آب، آسیب‌شناسی و کارآمدسازی نظام‌های حکمرانی آب در سطوح ملی و محلی، اصلاح الگوی تغذیه، اصلاح الگوی کشت، کنترل جمعیت با توجه به توان اکولوژیک سرزمین، تغییر محور توسعه در جوامع به محورهایی با مصرف کمتر آب از قبیل تغییر محور توسعه

رابطه آب و مسئله بی‌طرفی علوم

بیوفیزیکی

تحلیل‌های اجتماعی نشان می‌دهد که در برخی مواقع، نتایج برآمده از پژوهش‌های علوم بیوفیزیکی، در خدمت گروه‌های مختلف قدرت در جامعه بوده و می‌تواند توجیه‌گر منافع آن‌ها باشد؛ در حالی که نگرستن به موضوعاتی واحد در این علوم از منظر دینفعان مختلف می‌تواند نتایج متفاوتی را به بار آورد. اما در دهه‌های گذشته غلبه توهم بی‌طرفی ارزشی علوم بیوفیزیکی در نظام مدیریت منابع آب سبب شده است که منافع گروه‌هایی که از توانایی و قدرت بیشتری برای به خدمت گرفتن این علوم برخوردارند در دستور کار و صدر برنامه‌های این نظام مدیریتی قرار گیرد. این رویکرد در برخی موارد با منافع ملی کشور و پایداری سرزمین تعارض دارد.

ارزیابی تأثیر اجتماعی

هر نوع مداخله حقوقی، تغییر در حکمرانی و مدیریت منابع آب، اجرای پروژه‌های آبی از قبیل سدسازی، انتقال آب یا حفر چاه‌های آب، اثرات اجتماعی گوناگونی در بازه‌های زمانی مختلف بر زندگی مردم برجای می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین دستور کارهای مطالعات اجتماعی آب، تحلیل این‌گونه تأثیرات است. تحلیل نشدن این تأثیرات و آشکار نشدن آن‌ها برای جامعه است که فضایی برای تصمیم‌گیری‌های گاه مخرب در حکمرانی و مدیریت منابع آب ایجاد کرده است و از این روست که باید ارزیابی تأثیر اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین بخش شرح خدمات مطالعات اجتماعی آب باشد.

منبع: شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی (با تلخیص)

